

تاریخ عقبگرد میکند

وقتی جوان بودم و شور و شوق مبارزه برای تغییر در حالات نا هنجار جامعه و تحول سازنده سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اجتماعی کشور در تنور سینه ام موج میزد، شعاری که در ردیف سایر شعارهای آنروز ورد زبان و درونمایه اعتقاد بود؛ این بود که **تاریخ هرگز به عقب بر نمیگردد**. یا بعبارة دیگر، در آن روزگاران هی میگفتم (و میگفتیم) که تاریخ همیشه به پیش می تازد و آنچه در گذشته صورت گرفته است، با عین ماهیت، دو باره تکرار نخواهد شد.

این شعار و این اعتقاد، در آن زمان اصولاً بجا بود و در این زمان نیز بجا است. یعنی باید چرخ تاریخ، پسرفت یا عقبگرد نداشته باشد.

حال که سن و سال من در آستانه " شصت و شکست " قرار گرفته، یعنی دیگر آن شور جوانی و حال و احوال آن روزگاران سپری شده است، غرق اندر تحیرم که چرا تاریخ سرزمین ما متأسفانه از این جوهر علمی و دیالکتیکی (به پیش تاختن و به عقب برنگشتن) تهی شده است؟!

بربنیاد حکم دیالکتیک تاریخ، جامعه انسانی ما بایستی در درازنای چند دهه پسین، قدم های فراخی به پیش برمیداشت و تحولات پیشرونده علمی، فکری و اجتماعی عظیمی را نصیب میگردید. اما با دریغ که چنین نشد. یعنی بجای پیشرفتهای علمی و فکری و اجتماعی و ...، پسرفتهای دردناک و غیر قابل باور و خلاف مسیر عادی تاریخ را به نمایش گذاشت.

من از شرح و بست سایر پسررفتهای قهقرایی در جامعه افغانستان که ظرف سالهای پسین در نتیجه تجاوزهای نظامی، دین پناهی های افراطی و دست اندازیهای بیشرمانه اجانب صورت گرفت، یک لحظه میگذرم و بدین وسیله، تنها به تشکیل " شورای جهادی " که متأسفانه اخیراً در کابل به اشتراک فعال تنی چند از " جهادی " های شناخته شده سابق و در حقیقت، در تحت زعامت اشرف غنی یا مغز متفکر افغانستان اعلام گردید، می اندیشم.

خواننده های گرامی میدانند و به یاد دارند که خیزش آزادیخواهان مردم افغانستان علیه قشون شوروی دیروز که بعداً روی اهداف و غرایز خاص استعماری، بعنوان " جهاد علیه کفر و الحاد " در افکار و اذهان عامه جا داده شد، برمیگردد به کودتای ثور و تجاوز قشون شوروی دیروز در سال 1979 میلادی که از آن تقریباً مدت سی و پنج سال سپری میشود. این جهاد تا ده سالیکه قشون متجاوز روسی عملاً از زمین و هوا بالای اهالی این سرزمین بم و آتش میریخت، ادامه داشت و تا سال 1992 م که رژیم کودتای ثور سقوط کرد نیز به نحوی استمرار پیدا نمود.

هر چند رهبران جهاد رسمی که خود در مکان های امن شان واقع در تهران یا مشهد و پشاور نشسته و هزاران نفر از فرزندان پاکباز این سرزمین را به نام " جنگ مسلمانان با کفار "، قربانی رقابتهای قدرت طلبانه یا بازیهای سیاسی اجانب نمودند، باز هم تا زمانیکه پای نا پاک قشون بیگانه از خاک ما بیرون نگشته و جهادیهای اسلام پناه براریکه قدرت تکیه نزده بودند، مردم با دیانت و ساده اندیش ما همه نوع جفا ها و ستم های دو جانبه (قشون روس و رژیم دست نشانده آنها از یکطرف و تفنگداران تنظیمی و جهادی از سوی دیگر) را با صبوری تمام متحمل گردیدند و اما زمانیکه " هفت ثور " به " هشت ثور " معاوضه شد و مدعیان جهاد " ضد کفر و الحاد " حاکم بر سر نوشت ملیونها انسان منتظر و خسته جان کشور گردیدند، قول حافظ بزرگ کاملاً مصداق یافت که فرموده بود :

از پرده کار زهد فروشان برون فتاد روزیکه پا به دایره امتحان زدند.

شرح آنهمه کارنامه های خونین و ننگین " جهادی " ها و " قیادی " ها در اینجا، تکرار ملال انگیز خواهد بود؛ زیرا که تا کنون در این باره بسیار گفته شده و نگاشته آمده است. ولی با تعجب ملاحظه میشود که اینک پس از ده سال جهاد، ده سال دیگر ویرانگری و جنون جهادیه (شامل تنظیمی ها و طالبی ها) و یکنیم دهه اخیر لشکرکشی قدرتمند ترین کشورهای جهان، نواختن طبل "دموکراسی"، " حقوق بشر"، " بازسازی"، " حکومت داری خوب"، " جنگ علیه طالبان و القاعده"، " ایجاد دولت متمدن" و امثالهم با مخارج ملیاردها دالر توأم با هنگامه سازیها و سفرها و کنفرانسها و لافیدن ها و وعده دادنها و ... یکباردیگر سر و کله همان "کفن کشان قدیم" که نه تنها کفن مرده ها را ربودند، بلکه حتا استخوانهای آنها را نیز از لحد بیرون کشیده و به حراج گذاشتند، در قیمتی ترین هتل شهر کابل (هتل کانتیننتال) ظاهر میشود، سخنرانی های پُرطمطراق از سوی آنها ایراد میگردد، دریای " عهد نامه" مشترک امضا گذاشته میشود، قضیه سرنوشت آینده مملکت پامال شده افغانستان با نام و کام آنان پیوند میخورد و بار دیگر برای بقای سیاسی و امتیازات مالی و مادی شان تضمین کتبی و رسمی به رخ ملت رنجور و مظلوم ما کشیده میشود. اعضا و رهبران این " شورای جهادی"، در واقع همانهایی اند که قبلاً با جنگها، کشتار ها، ستمها و ویرانگریهای شرم آگین خویش دود از دمار ملت کشیدند و نام و نشان ننگی از خویشان بجا گذاشتند.

ایجاد این " شورای جهادی"، آنهم با ترکیب عناصر آزموده شده بدنام، نه آنکه هیچگونه دلیل و منطق دینی، قانونی و پذیرش تعریف کلاسیک ندارد، بلکه در واقع، مضحکه یی بیش پنداشته خواهد شد.

نمیدانم اشرف غنی بحیث رییس جمهور کشور، راجع به نیازچنین یک پدیده نا باب و مدرک تمویل مالی آن و نیز زنده ساختن دوباره ویرانگران کشور، برای ملت نا راض افغانستان چه گفتنی خواهد داشت و اعضای این " شورا" چه برنامه و کارنامه یی را در جهت تأمین امنیت، تطبیق عدالت، حراست از ناموس مردم، حیثیت ملی و بهترسازی اوضاع سیاسی و اقتصادی مُلک و ملت ما در دست خواهند داشت؟

سؤال عمده نزد مردم افغانستان اینست که شما جهادی های تشنه قدرت و ثروت که ظرف چندین سال اخیر تقریباً همه کاره این ملک و ملت بودید و هستید، چه کار خیر و چه خدمت ملی و مردمی را انجام داده اید که باز و بار دیگر، اجساد پوسیده سیاسی تان را بالای شانه های نحیف ملت بجان رسیده ما بار میکنید؟!